

مبانی حقوق بشر در انقلاب اسلامی ایران با تأکید بر اسناد بین‌المللی

همت اله شمولی^۱

چکیده

انقلاب اسلامی ایران با رهبری حکیمانه حضرت امام خمینی (ره) فرصت بسیار مناسبی را فراهم آورد تا برای اولین بار مسائل مختلف حقوق بشر با بهره‌گیری از منابع فقه و در رابطه با جامعه سیاسی اسلامی اجرا گردد. در آیات متعددی از قرآن به حقوق بشر اشاره شده است. مفاهیم و اصول حقوق بشر بعد از انقلاب اسلامی که برگرفته شده از منابع فقه اسلام است، وارد چرخه اجرایی در انقلاب اسلامی ایران شده‌اند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی تا به امروز ملت ایران با تأسی به این اصول انسانی و اسلامی در راستای احقاق حقوق خود گام برداشته است. هدف این مقاله تبیین مفاهیم، مبانی و اصول حقوق بشر در انقلاب اسلامی ایران می‌باشد که با بیان آیاتی از قرآن و احکام اسلام در زمینه حقوق بشر که در جامعه اجرا می‌شود، پرداخته شده است. سؤال اصلی این است که مبانی حقوق بشر در انقلاب اسلامی ایران چیست؟ فرضیه پژوهش بر این امر تأکید دارد که مبانی حقوق بشر در انقلاب اسلامی ایران بر اساس اصول و احکام دین اسلام پایه‌ریزی شده است. روش تحقیق در این پژوهش با توجه به ماهیت موضوع، توصیفی - تحلیلی خواهد بود. برای گردآوری اطلاعات از ابزار کتابخانه‌ای - اسنادی استفاده شده است.

واژگان کلیدی: حقوق بشر، انقلاب اسلامی ایران، اسناد بین‌المللی، آیات قرآن

مقدمه

در دنیای امروز موضوع حقوق بشر به عنوان یکی از شاخه‌های حقوق از اهمیت بسزایی برخوردار است. اصولاً یکی از شاخه‌های جوامع متمدن و مردم‌سالار رشد فزاینده‌ی حقوق و آزادی‌های عمومی است. اسناد متعددی چه در سطح جهانی و چه در حوزه‌های منطقه‌ای و ملی در رابطه با حقوق بشر تدوین و به تصویب رسیده است. (Amos, 2017: 765) که یکی از مهم‌ترین آن‌ها اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر می‌باشد. این اعلامیه که به طور ویژه‌ای در پی شناسایی حیثیت و کرامت ذاتی تمام اعضای جامعه بشری و حقوق برابر و سلب ناپذیر آنان می‌باشد، در ۳۰ ماده تدوین یافته است. از سوی دیگر اسلام به عنوان یک دین جهانی که مدافع حقوق انسان‌ها و برابری و تساوی ذاتی آحاد جامعه ملی و بین‌المللی است، توجه ویژه‌ای به حقوق بشر دارد. مصداق بارز این توجه را می‌توان در انطباق و هم‌سویی آیه ۲۵۶ سوره بقره با مواد ۱۸ و ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر دید.

در آیه ۲۵۶ سوره شریفه بقره اشاره شده است: «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِن بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انْفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ؛ هیچ اجراه و اجباری در دین نیست، راه هدایت بر همه کس روشن گردید.» در اعلامیه جهانی حقوق بشر مواد ۱۸ و ۱۹ آمده است که هرکس حق دارد که از آزادی فکر، وجدان و مذهب بهره‌مند شود. این حق متضمن آزادی عقیده، ایمان و اندیشه می‌باشد و همچنین هرکس حق اظهار عقیده و بیان خود را دارد. آیه شریفه، نیز انسان را از اجبار و پیروی کورکورانه بر حذر داشته و او را دارای عقل و اراده می‌داند تا خود راه هدایت و سعادت را



شناخته بر اساس اراده آزاد و آزادی که از مهم‌ترین مقوله‌های حقوق بشر است، به هدف نهایی خود برسد. آزادی عقیده و اندیشه مستلزم آزادی دین و عقیده در قالب آموزش دین، عبادات و اجرای آیین‌های دینی به تنهایی یا به صورت جمعی می‌باشد. در این آیه، به حقی از حقوق انسان‌ها اشاره شده که در اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۲ را به خود اختصاص داده است و آن هم آزادی عقیده، بیان، دین، عدم اجبار و زور می‌باشد. بشر از آزادی اندیشه و دین برخوردار است و می‌تواند با تعقل و اندیشیدن آیین و دین خود را برگزیند و عقاید خود را مادام که مخل به مبانی و اهداف عالیه نظام بشری نباشد بیان کند و آنگاه مطابق با آیین خود به عبادت و آموزش دینی و اجرای احکام مربوط به آیین خود بپردازد. عقیده خود را به طور آشکار و روشن بیان کرده مطابق با آیه شریفه و مواد ۱۸ و ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر از جمله اصول بنیادین و خلل‌ناپذیر حقوق بشر می‌باشد.

مطابق با آیه شریفه، هیچ‌کس را نمی‌توان از اظهار عقیده و اندیشیدن منع کرد. بیان عقیده، اندیشیدن، انتخاب و عدم اکراه و زور از اصول و آزادی‌های اساسی بشر است که در این آیه به خوبی به آن اشاره شده است. بدیهی است که اسلام به عنوان دینی جهان‌شمول و کامل می‌تواند، راهگشای بسیاری از مسائل مربوط به حقوق بشر در دنیای معاصر باشد. به شرط آنکه به دور از هرگونه حب و بغضی با آن برخورد گردد.

۱- پیشینه‌ی حقوق بشر

حقوق بشر پیشینه‌ای طولانی دارد و قدمت آن به اندازه تاریخ حیات بشری است. بنابراین، پیدایش حقوق بشر و تحول آن تحت تأثیر وقایع و رویداد تاریخی است. با این وجود حقوق بشر در سطوح ملی و بین‌المللی متوجه حمایت از افراد بشر در مقابل رنج‌ها و مشقات ساخته دست انسان‌ها و موانع اجتناب‌پذیری است که با اعمال محرومیت، بهره‌کشی، اختناق، آزار، اذیت و همه اشکال سوء رفتار توسط گروه‌های سازمان‌یافته و قدرتمندی از انسان‌ها به وجود آمده است. (آقایی، ۱۳۷۶: ۳) البته واقعیت این است که پیشینه بحث درباره حقوق بشر از همان ابتدا توسط انبیای الهی با الهام از وحی به بشر ابلاغ شده است، اما برخی از محققان معتقدند نخستین اعلامیه جهانی حقوق بشر، اعلامیه حقوق بشر کوروش است. (عنایت، ۱۳۶۴: ۵۵) که بیش از دو هزار و پانصد سال از عمر آن می‌گذرد و در دورانی صادر شد که جهان در تیرگی بردگی، نقض حقوق انسان‌ها، نابرابری و خشونت مطلق اقویا بر ضعفا به سر می‌برد. این اعلامیه که بر سنگ نوشته استوانه‌ای حک شده، در سال ۱۸۷۹ به دست «هرمزد رسام» یکی از اعضای تیم باستان‌شناسی انگلیسی، در حین کاوش‌های باستان‌شناسی در شهر «اور» بابل - در جنوب غرب عراق - کشف شد و اکنون زینت‌بخش موزه بزرگ بریتیش میوزیوم^۱ انگلستان است. با کنکاشی کوتاه درباره حقوق بشر به معنای اصطلاحی آن مشخص خواهد شد که سابقه تاریخی کهنی حتی در اندیشه و حقوق غرب ندارد و اثری از آن تا پیش از قرن ۱۲ میلادی، در قوانین موضوعه غربی‌ها دیده نمی‌شود. (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۶۴: ۲۳۷) البته تعریف واحدی

1. British Museum

از مفهوم حقوق بشر ارائه نشده است و توافقی در این مورد وجود ندارد و این مفهوم بارها بازتعریف شده و در هر دوره، مکتب و صاحب‌نظری از منظر خود به این موضوع نگریده و چارچوب آن را تبیین کرده است.

به بیان کلی، «حقوق بشر» حقوق بنیادین و انتقال‌ناپذیری است که برای حیات نوع بشر اساسی دانسته می‌شود؛ یعنی مجموعه‌ای از ارزش‌ها، مفاهیم، اسناد و سازوکارها است که موضوعشان حمایت از مقام، منزلت و کرامت انسانی است. (ذاکریان، ۱۳۸۳: ۱۹۲) در تعریفی دیگر، «حقوق بشر به مجموعه حقوقی که به سکنه یک کشور اعم از بیگانه و تبعه در مقابل دولت داده شود، گفته می‌شود.» در مسئله حقوق بشر «امر تابعیت» نباید دخالت داده شود، زیرا این حداقل حقوقی است که انسان هر جا که هست، باید دارا باشد. در همین معنی حقوق انسان هم به کار می‌رود. (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۳: ۲۳۱)

اسناد اعلامیه‌های مهم که در زمینه حمایت از حقوق بشر تأثیرگذار بوده‌اند، عبارت‌اند از:

- منشور کبیر (۱۲۱۵) و اعلامیه درخواست حقوق (۱۶۸۹) در انگلستان؛
- اعلامیه حقوق دولت ویرجینیا (۱۷۷۶) و اعلامیه استقلال ایالات متحده آمریکا (۱۷۷۶)؛
- اعلامیه حقوق بشر و شهروند (۱۷۸۹) در فرانسه.

بنابراین، هیچ‌کدام از این اسناد را نمی‌توان سرآغاز حقوق بشر به مفهوم امروزی آن قلمداد کرد، اما نقش بسزایی در پیدایش حقوق بشر مدرن داشته‌اند و سازمان ملل متحد برای تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر از آن‌ها الهام گرفت و در نهایت روز دهم دسامبر ۱۹۴۸ با عنوان «اعلامیه جهانی حقوق بشر» به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسید.

مهم‌ترین هدف این اعلامیه شناسایی ذاتی همه اعضای خانواده بشری و حقوق یکسان و انتقال‌ناپذیر آنان بر مبنای آزادی، عدالت و صلح است که به ویژه توجه زیادی به برابری حقوق انسانی زن و مرد و کودکان صرف‌نظر از رنگ پوست، نژاد، جنسیت و غیره دارد.

از رئوس حقوق زیر عنوان «حقوق بشر» می‌توان به حق حیات، آزادی، برابری، عدالت، دادخواهی عادلانه، حق حفظ در برابر سوءاستفاده از قدرت، حفاظت در برابر شکنجه، حفاظت شرافت و خوش‌نامی، حق پناهندگی، حقوق اقلیت‌ها، حق شرکت در حیات اجتماعی، حق آزادی فکر، ایمان و سخن، حق آزادی دین، حق تجمع و اعلان، حقوق اقتصادی (حق حفظ مال، حق انتخاب کار، حق فرد بر اشتراک در امور ضروری مادی و معنوی)، حق تشکیل خانواده، حق تعلیم و تربیت، حق حفظ حیات فردی شخص و حق انتخاب آزاد محل زیست اشاره کرد. (محقق داماد، ۱۳۸۵: ۴۴)

کشور ایران هم به دلیل پاره‌ای موضع‌گیری‌های تاریخی انسان‌دوستانه و فراگیر نظیر فرمان کوروش کبیر که اشاره شد و نیز تعالیم ارزشمند ادیان الهی به ویژه اسلام، با مفهوم کرامت انسانی که زینت‌بخش «حقوق بشر» امروزی است، آشنایی دیرین دارد، اما بازخوانی تاریخ سیاه استبداد حکمرانان در این سرزمین، همانند دیگر نقاط دنیا، حکایت از تضييع حقوق مردم دارد. با این وجود دو نهضت آزادی‌خواهانه انقلاب مشروطه (۱۳۲۴ قمری) و انقلاب اسلامی (۱۳۵۷ شمسی) را نمی‌توان نادیده گرفت. به گونه‌ای که فصل دوم متمم قانون اساسی مشروطیت (اصول ۸ تا ۲۵) تحت‌عنوان «حقوق ملت» اولین سند رسمی حقوق بشر مدرن در ایران است. (هاشمی، ۱۳۸۴: ۱۷۲ - ۱۷۰)



۲- حقوق بشر قبل از انقلاب اسلامی

استفاده ابزاری از حقوق بشر در دوران پهلوی، به شکلی بود که با روی کار آمدن رضاخان در صدر حکومت و تأسیس حکومت پهلوی، تغییرات گسترده‌ای در اوضاع اجتماعی ایران رخ داد. اقداماتی نظیر تغییر نظام آموزش، کشف حجاب، ایجاد مؤسسات و روزنامه‌های ویژه بانوان و... صورت گرفت. این اقدامات که همراه با شتاب بود، تلاش داشت که کشور را از حالت سنتی و مذهبی خود دور کرده و رنگ غربی به خود گیرد که بدیهی بود واکنش‌هایی از سوی روحانیت و مردم بروز کند. واقعه قتل و کشتار مسجد گوهرشاد در اعتراض به کشف حجاب خود گواهی بر این مدعاست. بعد از به سلطنت رسیدن محمدرضا شاه وی نیز سیاست سرکوب مخالفان را از شهریور ۱۳۲۰ تا اواخر دهه ۳۰ همانند پدرش در پیش گرفت. همچنین با تأسیس ساواک این روند شتاب بیشتری گرفت تا به اصطلاح بر قدرت شاه افزوده شود.

در این میان محمدرضا شاه پهلوی برای تطهیر چهره دیکتاتوری خویش در ۸ اسفند ۱۳۴۱ منشور انقلاب و شاه را اعلام کرد که به موجب آن زنان دارای حق رأی شدند و پس از چندی قانون تساوی مردان و زنان در ایران تصویب شد. در دوره پهلوی سعی می‌شد به گونه‌ای نمادین از حضور زنان در برخی فعالیت‌های اقتصادی و عمدتاً برخی مشاغل خاص دیوان‌سالاری استفاده شود تا به صورت یکی از شاخص‌های اصلی حرکت جامعه به سوی نوگرایی و تجدد از آن بهره‌برداری کنند، البته در دوره رضاشاه زنان نتوانستند در مشاغل عمومی جامعه حضور یابند. هر چند که بی‌سوادی عمومی زنان مانع بزرگ در راه حضور آنان محسوب می‌شد، اما با این حال حتی تعداد محدود زنان باسواد و تحصیل‌کرده جامعه نیز امکان حضور در مشاغل دولتی و عمومی جامعه را نیافتند. (طغرانگار، ۱۳۸۳: ۱۰۹)

روند خفقان سیاسی در دوران پهلوی دوم منجر شد تا از اواخر سال ۱۳۵۴، اولین اعتراض‌ها به نقض حقوق بشر، شکنجه زندانیان و نقض حقوق مدنی در ایران از سوی سازمان عفو بین‌الملل، کمیسیون بین‌المللی قضاوت و کمیسیون بین‌المللی حقوق بشر وابسته به سازمان دفاع از حقوق بشر ابراز شود. (نجاتی، ۱۳۸۷: ۶۱۵) در همین اوان، در نامه سرگشاده‌ی علی‌اصغر حاج سیدجوادی در ۲۷ بهمن ۱۳۵۴، دولت به فساد و ایجاد خفقان در جامعه متهم شد. (نجاتی، ۱۳۸۷: ۶۱۶) کم‌کم، نشریات معتبر خارجی به انتقاد از شکنجه‌های ساواک و عملکرد سرکوبگرانه پلیس گشودند. شاه سعی کرد نسبت به فشارهای خارجی که از سال ۱۳۵۴ نسبت به حکومتش آغاز شد، از خود کمی انعطاف نشان دهد، چون نمی‌خواست منافعی که در ارتباط با آمریکا و غرب داشت به خطر بیافتد و تصویری که با خرج مبالغ زیادی صرف مصلح نشان دادن خود و مدرن نشان دادن کشور کرده بود، مخدوش بشود. (نجاتی، ۱۳۸۷: ۶۱۷)

شاه به چند دلیل سیاست خود را تغییر داد، او متوجه شده بود که سیاست سرکوب علاوه بر زیان‌بار بودن، دیگر فایده و کارآمدی ندارد و با در پیش گرفتن روش بازتر و لیبرال‌تر می‌خواست شرایط را برای روی کار آمدن پسرش فراهم کند، زیرا روش‌های سرکوب او موجب واکنش‌هایی در سطح بین‌المللی شده بود و توجه جهانیان را به خود جلب کرده بود. بنابراین به توصیه مشاوران مسن خود سعی کرد از تکنوکرات‌های جوان و لیبرال بهره بگیرد و با روی کار آمدن کارتر در آمریکا، وی را در تغییر سیاست‌های سابق مصمم‌تر ساخت. (بیل جیمز، ۱۳۷۱: ۳۵۳) با این وجود مردم ایران این اقدامات را نمایشی می‌دانستند. به گونه‌ای که طی نه ماه آخر سال ۱۳۵۶ چندین نامه سرگشاده برای شاه و نخست‌وزیر و دیگر

مقامات بلند پایه در اعتراض به اوضاع کشور، ارسال شد. همچنین، ده‌ها اعلامیه و بیانیه از سوی شخصیت‌های ملی و مذهبی، نویسندگان، هنرمندان، حقوقدانان، بازاریان و دانشگاهیان در سراسر کشور انتشار یافت. (نجاتی، ۱۳۸۷: ۲۱) زیرا شاه در صدد آزادی‌های مستمر و دمکراتیزه کردن کشور نبود و به صورت مقطعی این سیاست را دنبال می‌کرد. (نراقی، ۱۳۸۱: ۱۲۸)

اشاره شد که در این دوره اصلاحات قانونی در مورد قوانین مربوط به زنان صورت گرفت که از جمله می‌توان به تصویب قانون حمایت از خانواده اشاره کرد. در این قانون که ابتدا در سال ۱۳۴۶ و سپس با تغییراتی در سال ۱۳۵۴ تصویب شد، برخی قوانین که بر مبنای فقه اسلامی تدوین و اجرا شده بودند، مورد بازنگری و اصلاح قرار گرفتند از جمله این قوانین می‌توان به محدود کردن مردان در تعدد زوجات و ایجاد موانعی برای این حق فقهی که به مردان داده شده بود، اشاره کرد. تسهیل آموزش دختران، راهیابی آن‌ها به دانشگاه‌ها و اعزام دانشجویان دختر به خارج از کشور را می‌توان از دیگر اقدامات دولت پهلوی دوم در حوزه حقوق زنان دانست. هرچند این قانون واقعاً دارای ابعاد مثبتی بود، ولی میزان تبلیغات رژیم پهلوی درباره آن بیش از میزان کارکرد راستین آن بود، زیرا در بهترین حالت تنها بخشی از زنان شهرنشین توانستند از مزایای آن بهره‌مند شوند. در حالی که تغییر بنیادین‌تر وضعیت زنان، مستلزم یک رشته اقدامات فرهنگی بود که نظام پدرسالار پهلوی نه توان انجام آن را داشت و نه تمایلی برای این کار از خود نشان می‌داد، اما با این وجود نیمی از جمعیت معترضان به حکومت پهلوی را بانوان تشکیل می‌دادند که خواستار احقاق حقوق خود،

همچنین استقلال، آزادی و عدالت بودند. والتین مقدم^۱ در این باره می‌نویسد: «زنان مانند دیگر گروه‌های اجتماعی، دلایل متفاوتی برای مخالفت با شاه داشتند، محرومیت‌های اقتصادی، سرکوب سیاسی، همزادپنداری با جریان اسلام‌گرایی و آرزوهای یک آینده سوسیالیستی.» (گلدستون جک، ۱۳۸۷: ۵۳)

نیک کی کدی^۲ نیز بر همین موضوع صحنه می‌گذارد و مطالبات زنان را در جریان انقلاب ۵۷ همان مطالبات کلی انقلابیون بیان می‌کند: «از آنجایی که کلیه فعالیت‌ها و سازمان‌های مربوط به زنان در سازمان زنان ایران که یک نهاد رسمی دولتی بود ادغام شده بود، زنانی که با رژیم سرسختانه مخالفت می‌کردند از نزدیک شدن به سازمان مزبور اجتناب ورزیده و خود نیز از پیگیری خواسته‌های صدرصد زنانه اجتناب می‌کردند. آن‌ها طرح چنین خواسته‌هایی را زمانی که هدف اصلی برانداختن شاه و رژیم وی بود، عامل تفرقه و جدایی در صفوف انقلابیون می‌دانستند، مانند تعدادی از حرکت‌های انقلابی دیگر، بسیاری از زنان آگاه سیاسی ایران نیز فرض را بر این نهادند که مشارکت آن‌ها در منازعه موجود و پیروزی داعیه‌شان، به زن‌ها نیز آنچه را که مطلوب نظر آن‌هاست خواهد داد.» (کدی، ۱۳۸۶: ۴۲۰)

آنچه که در دوران پهلوی دوم مشهود است، عدم رعایت مبانی حقوق بشری در عرصه حکومت از سوی محمدرضا شاه پهلوی است. هرچند که به ظاهر برخی آزادی‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در مقاطع کوتاه صورت گرفت، اما قدرت‌طلبی شخص وی مانع بزرگی برای احیای این حقوق در سطح کشور

1. Valentine Moghadam

2. Nikki Keddie

بود. قیام‌ها و اعتراض‌هایی که در سال ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ در سال‌های پایانی حکومت وی نشان می‌دهد که مردم از حکومت پهلوی به ستوه آمده بودند و معیارهایی نظیر عدالت، آزادی، استقلال، دموکراسی را در شعارهای خود طلب می‌کردند.

۳- مبانی حقوق بشر انقلاب اسلامی

مبانی حقوق بشر انقلاب اسلامی شامل موارد ذیل است که هر کدام در مباحث بعدی مورد تحلیل قرار گرفته‌اند:

- آیات قرآن؛
 - سنت معصومین؛
 - اسناد حقوقی داخلی و خارجی؛
 - قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران؛
 - اسناد حقوق بشری که ایران آن را امضا کرده؛
 - بیانات و مواضع رهبران نظام جمهوری اسلامی.
- حقوق بشر که امروز غرب مدعی است در آیات قرآن، سنت معصومین به صورت کامل بیان شده است که در مباحث بعدی مورد تحلیل قرار گرفته است. حق استفاده از طبیعت و مواهب آن به عنوان حقی عام؛ (بقره، ۲۲ - ۲۹؛ اعراف، ۱۰ - ۳۲)، حق پناهندگی؛ (نساء، ۱۰۰؛ انفال، ۲۶-۷۲)، حق تجارت؛ (نساء، ۳۲)، حق تصمیم‌گیری؛ (آل عمران، ۱۵۹) حق دادرسی؛ (نساء، ۵۱-۱۰۵)، حق دفاع مشروع؛ (حج، ۳۹-۴۰)، حق عبادت؛ (علق، ۹-۱۰)، حق ازدواج؛ (نساء، ۳-۹؛ بقره، ۲۲۱-۲۳۰)، حق مالکیت؛ (نازعات، ۲۳؛ عبس، ۳۲)، حق مسکن؛ (بقره، ۱۴) و حق هدایت؛ (بلبل، ۱۲) و مانند آن از دیگر مصادیق حقوق انسانی زیستی و اجتماعی بشر است که در قرآن مورد اشاره قرار گرفته‌اند.

قرآن برای انسان افزون بر تکالیف، حقوقی را نیز اثبات کرده است. برخی بر این باورند که در بینش اسلامی میان حق و تکلیف رابطه دوسویه‌ای برقرار است. به این معنا که هر کجا حقی ثابت شود، تکلیفی نیز ثابت است و همین‌گونه هر جا تکلیفی باشد، در همان جا حقی نیز برای شخص ثابت است. بنابراین، وقتی از تکالیف بشر به معنای عام سخن گفته میشود، در حقیقت، حقوقی را نیز برای او ثابت شده است. از این رو می‌توان موارد و مصادیق بسیاری را به عنوان حقوق بشر در قرآن و آموزه‌های آن شناسایی و ردگیری کرد که در مطالب بعدی مورد اشاره قرار داده شده‌اند.

۱-۳- حقوق انسان

انسان از نظر جامعه‌شناسی شخصی است که می‌بایست حقوقش رعایت شود. اگر برای انسان به عنوان موجودی زیستی حقوقی چون حق حیات است، از نظر جامعه‌شناسی و روان‌شناسی که شخص است و دارای شخصیت اجتماعی - حقوقی خاص و ویژه است که از سوی همگان رعایت آن الزامی و ضروری است. در بینش قرآنی، رعایت حقوق اشخاص از سوی افراد و گروه‌های اجتماعی جامعه نیازمند بستر و زمینه‌های خاصی است و بدون ایجاد این بستر و فضا امکان تحقق درست آن فراهم نمی‌شود. از این روست که قرآن به بینش و نگرش انسانی بهایی ویژه می‌بخشد و بر این باور است که گرایش و کنش و واکنش‌های انسانی را بینش و نگرش او، ساماندهی و سازمان‌دهی می‌کند. بنابراین به این مسئله توجه می‌دهد که همه انسان‌ها به عنوان آفریده‌های خداوندی از حقوق ویژه و خاصی برخوردارند و کسی نباید به آن تجاوز و تعدی کند. این‌گونه است که اعتقاد

به خداوند و هدفمندی و مسئله حسابرسی در آخرت و معاد را به عنوان عوامل مؤثر در تغییر رفتار انسان‌ها بر می‌شمارد و بیان می‌دارد که مهم‌ترین پشتوانه برای رعایت حقوق انسان‌ها از سوی همگان پذیرش و اعتقاد به حسابرسی دقیق خداوند است. (نساء، ۶) همین عامل انگیزه می‌شود تا انسان به تقوا گرایش یابد و تقوا نیز به عنوان عامل بازدارنده و انگیزه قوی در برخورد با دیگران مطرح می‌شود و رعایت حقوق دیگران را در شخص تقویت می‌کند. (بقره، ۲۳۳-۱۸۸-۱۴۱) زمانی که شخصی به این مقام برسد که همگان را مانند خود دارای شخصیت و کرامت بداند حتی نسبت به دشمنان خود نیز به نوع دیگری رفتار می‌کند و حقوق آنان را نیز مراعات کرده و در حق ایشان هیچ‌گونه کوتاهی به جا نمی‌آورد. (مائده، ۲) در مورد کسانی که به این اندازه نرسیده‌اند، خداوند از روش انذار بهره می‌برد و تهدید نسبت به متعرضین به حقوق انسان در جامعه به آنان کیفر تجاوز و تعدی را یادآور می‌شود تا به این روش از تجاوز و تعدی دست بردارند. (نساء، ۹) این‌ها گوشه‌ای از شیوه‌ها و روش‌های قرآنی برای ترغیب و تشویق و گاه تهدید کسانی است که شقاق انسانی هم‌نوع خویش را در زندگی اجتماعی رعایت نمی‌کنند.

۲-۳- تساوی حقوق انسان

در بینش و نگرش قرآن و آموزه وحیانی این کتاب مقدس، تفاوتی میان زن و مرد در این مسئله نیست. از این رو، همان‌گونه که در بینش و نگرش قرآن همه انسان‌ها از زن و مرد واحدی آفریده و خلق شده‌اند و میان سیاه و سفید و زرد و سرخ فرقی نیست و این‌گونه تمایزات ظاهری موجب تمایز باطنی و حقوقی

نمی‌شود. همچنین از انسان‌ها خواسته شده که حقوق همگان را بدون تبعیض در مرد و زن بودن رعایت کنند. از این رو، خود نیز بر پایه و اساس تساوی میان مرد و زن (عدم تمایز جنسیتی) و سیاه و سفید (عدم تمایز نژادی) عمل می‌کند و پاداش هر کسی را بدون توجه به زن و مرد بودن به طور کامل ادا می‌کند. (نساء، ۳۲) قرآن بیان می‌دارد که همه انسان‌ها در حقوق اجتماعی مساوی هستند و همچنان که از تساوی در حق حیات و زندگی برخوردار می‌باشند. (مائده، ۳۲) همان‌گونه نیز حقوق همگانی همه محترم است و انسان‌ها نباید برخلاف این حکم عمل کنند. (شورا، ۴۲)

۳-۳- دفاع از حقوق انسان

احترام حقوق اجتماعی انسان به عنوان شخص و حقوق حیات او به عنوان موجود زنده، این معنا را تقویت می‌کند که در بینش و نگرش قرآنی دفاع از حقوق انسانی و اجتماعی بشر امری مطلوب و بلکه واجب و ضروری است. از این رو، به کسانی که حقوق انسانی و یا اجتماعی بشر را مورد تعرض قرار می‌دهند، ضمن هشدار به تعرض شدگان این اجازه را می‌دهد تا در برابر ایشان قیام کرده و به دفاع از حق خود اقدام کنند و در این راه از پای ننشینند و پایداری کنند. (آل عمران، ۷۵) از این رو می‌بینیم که در این آیه سخن از قیام و پایداری برای گرفتن حق است و در ستایش حق طلبان و نكوهش متجاوزان به حقوق مردم از این واژه بهره جسته است تا بنمایاند که قیام به قسط به عنوان فرمان عام و کلی دارای مصادیقی است که یکی از آنها قیام برای گرفتن حق است.

قرآن همچنین برای تحکیم و تقویت دفاع از حق و حقوق انسانی و اجتماعی به نقش حاکمان و قاضیان اشاره کرده و از آنان خواسته در دستیابی مظلومان به حقوق خود آنان را یاری و کمک کنند و از اینکه برخی از حاکمان و اهل قدرت به همراه برخی از قضات به جای حمایت از مظلومان و حقوق ایشان به مدد و یاری متجاوزان به حقوق می‌روند، سرزنش و نکوهش می‌کند. چنان‌که از این، برخی از مردم برای توجیه تجاوز و تعدی به حقوق اجتماعی و انسانی دیگران به احکام قضات و حکام پناه می‌برند، امری ناهنجار و زشت دانسته و از ایشان می‌خواهد که با این روش‌های نادرست حق مردم را پایمال نکنند. (بقره، ۱۸۸)

۴-۳- محدوده حقوق انسان

چنان‌که گفته شد برای انسان دو دسته حقوق می‌توان ثابت کرد: حقوقی که به عنوان حق زیست‌شناسی برای انسان ثابت است که از جمله آن‌ها می‌توان به حق حیات اشاره کرد و دیگر حقوق اجتماعی است که به عنوان شخص برای انسان‌ها ثابت شده است. حقوق انسانی و اجتماعی انسان می‌تواند بسیار باشد و مصادیق زیادی را شامل شود، ولی آنچه می‌تواند به عنوان اصل قرار گیرد و موجبات تحدید و محدودیت انسان در حوزه زیستی و اجتماعی را فراهم آورد، قوانین شرعی و عرفی است. قرآن از احکام شرعی و تکالیف به عنوان تعیین‌کننده حقوق انسان یاد می‌کند و پس از بیان احکام و قوانین تحدیدکننده می‌فرماید: «تلك حدود الله فلا تقربوها؛ این احکام و قوانین شرعی به عنوان وظایف الهی و حدود خداوندی است، پس به این محدود نزدیک نشوید.» (بقره، ۲۳۰ - ۲۲۹ - ۱۸۷)

بنابراین می‌توان گفت که تکالیف شرعی و قوانین عرفی می‌توانند به عنوان حدود حقوق انسانی و اجتماعی عمل کنند و حقوق انسان را محدود نمایند.

۴- مصادیق قرآنی حقوق بشر

در آیات متعددی از قرآن کریم به مهم‌ترین موضوعات حقوق بشر که حق حیات، آزادی، حقوق اجتماعی، سیاسی و حقوق اقتصادی به شرح ذیل آورده شده است.

۴-۱- حق حیات

حق حیات، به عنوان حق انسانی برای انسان ثابت است. به این معنا که هر انسانی به عنوان یک موجود و آفریده زیستی خداوند از حقی برخوردار می‌باشد که از آن به حق حیات و زندگی یاد می‌کنند و کسی نمی‌تواند آن را از وی سلب کند. بنابراین، کشتن و قتل انسانی به عنوان تعرض به حق انسانی از نظر زیست‌شناختی در نگرش قرآنی امری ناپسند و گناهی نابخشودنی است. (مانده،

۳۲ - ۳۵؛ انعام، ۱۴۰؛ اسراء، ۳۱ - ۳۲۳؛ کهف، ۷۴)

آیات بسیاری بر این حق اشاره داشته و آن را جزء حقوق مسلم بشری دانسته است که تعرض به آن گناه و جرم است و مرتکب آن به سختی کیفر داده خواهد شد. (کهف، ۷۴) در روز رستاخیز یکی از گناهانی که از آن مؤاخذه و بازخواست خواهد شد، مسئله قتل نفس است که در آیه ۸ و ۹ سوره تکویر و آیات دیگری بدان اشاره شده است.

۲-۴- قصاص

اینکه حق حیات به عنوان حق انسانی و زیستی مورد تأکید و توجه قرآن قرار گرفته به این معنا خواهد بود که کسانی که صاحب خونی شده‌اند و یکی از خویشان ایشان به ظلم و ستم کشته شده از این حق برخوردار خواهند بود که جان قاتل را بگیرند و او را به این جرم قصاص نمایند. هدف از قصاص این است تا عاملی بازدارنده در جامعه پدید آید، زیرا عنصری مهم‌تر از جان انسان وجود ندارد که اگر به سادگی و آسانی در معرض خطر قرار گیرد، اجتماع از میان رفته و انسان‌های بی‌گناه کشته و به قتل می‌رسند. از این رو، قرآن از قصاص به عنوان عامل حیات یاد می‌کند، زیرا موجب می‌شود تا کسی دست به قتل کس دیگری نزند و این‌گونه است که حیات در جامعه حفظ می‌شود. (بقره، ۱۷۸ - ۱۷۹؛

مائده، ۴۵؛ اسراء، ۳۳)

۳-۴- امنیت

حق امنیت به معنای عام آنکه شامل امنیت جانی، عرضی، مالی و نیز سیاسی و اجتماعی و همچنین امنیت روانی فرد و جامعه است، به عنوان مهم‌ترین حق پس از حق حیات بر شمرده شده است. در حقیقت امنیت به عنوان هدف انسانی در حکم نخستین مؤلفه سعادت در کنار آسایش است.

۴-۴- آزادی

آزادی در اقسام و انواع آن یعنی آزادی بیان و عقاید امری پذیرفته شده در اسلام است. آیات بسیاری بر حق آزادی انتخاب عقاید وارد شده است. (بقره،

۲۵۶: آل عمران، ۲۰) در بینش اسلامی و قرآنی بر این نکته تأکید شده است که انسان به طور طبیعی موجودی متفکر است و باید بستری مناسب برای تفکر و اندیشه افراد فراهم آید. قرآن به ایجاد بستر لازم برای تفکر و اندیشه اشاره می‌کند که از آن برخی به آزادی اندیشه یاد می‌کنند که منظور و مرادشان همین معنای پیش گفته است، زیرا انسان به طور طبیعی از آزادی اندیشه برخوردار است و اندیشه چیزی نیست که قابل وضع و جعل قانونی باشد و گفته شود که انسان این حق را دارد که آزاد بیندیشد و یا نیندیشد. آنچه در اینجا قابل جعل و وضع قانونی می‌باشد، مسئله زمینه و بسترهای اندیشیدن است. بنابراین وقتی سخن از آزادی اندیشه می‌شود، به معنای برطرف کردن موانع برای اندیشیدن آدمی در حوزه‌های مختلف است. در جهان امروز برخی از ابزارها و فناوری استفاده کرده و با رسانه‌های مختلف جلوی اندیشیدن مردم در موضوعات مختلف را می‌گیرند. این امر هرچند به صورت جبری نیست، ولی اختیار را نیز از انسان سلب می‌کند. به هر حال قرآن انسان را موجودی متفکر آفریده و از او خواسته است تا در جهت منافع و کمال خود بیندیشد. (بقره، ۲۱۹)

پرتال جامع علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۴-۵- آگاهی از اجتماع

از بیان گذشته این حق برای انسان ثابت می‌شود که از آگاهی برخوردار باشد و کسی جلوی آزادی دستیابی وی را به مسائل و دانش‌ها نگیرد. در قرآن سخن از اتمام حجت است که به معنای آگاهی دادن کامل و تمامی به انسان‌هاست. خداوند زمانی که امتی را می‌خواهد بازخواست و یا عذاب کند، نخست اتمام حجت می‌کند و فرد و جامعه را به مسائل و پیامدهای موضوع آگاه می‌سازد و

اطلاعات کاملی را در اختیار او می‌گذارد. بنابراین یکی از حقوق اجتماعی انسان، آگاهی یافتن به مسائل اجتماعی، سیاسی و حقوقی خود می‌باشد. از این رو، حق آگاهی یافتن به عنوان حقی ثابت در قرآن مورد تأیید قرار گرفته است. (نساء، ۱۵)

۵- حقوق بشر در سنت معصومین (ع)

مهم‌ترین اصل و پایه حقوق بشر، «کرامت انسانی» است. قرآن کریم با عبارت «لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ؛ همانا فرزندان آدم را کرامت بخشیدیم.» (اسراء: ۷۰) به این حقیقت اشاره می‌کند. حضرت علی علیه‌السلام در خطبه‌ای با شرح خلقت آدم علیه‌السلام می‌فرماید: «پس، از فرشتگان خواست تا آنچه در عهده دارند، ادا کنند و عهدی را که پذیرفته‌اند وفا کنند. سجده او را از بن دندان بپذیرند، خود را حواری او را بزرگ گیرند.» و فرمودند: «آدم را سجده کنید ای فرشتگان! فرشتگان به سجده افتادند جز شیطان»، منشأ این کرامت همان دمیدن روح خدایی در آدم است. حضرت علی علیه‌السلام در همین خطبه طی شرح مراحل خلقت انسان بدان اشاره کرده فرمود: «پس، از دم خود در آن دمید تا به صورت انسانی گردید، خداوند ذهن‌ها را که آن ذهن‌ها را به کار گیرد و اندیشه‌ای که تصرف او را بپذیرد.» این کرامت نظری پایه بزرگواری‌های عملی قرار می‌گیرد و اصول حقوقی و اخلاقی بسیاری بر اساس آن تنظیم می‌گردد. بر اساس اصل کرامت است که اصل آزادی و عدم بردگی انسان اعلام شده است. نمونه آن ماده ۴ اعلامیه جهانی حقوق بشر است که بیان می‌دارد: «هیچ‌کس را نمی‌توان به بندگی گرفت. بندگی و سوداگری بنده در هر شکل که باشد ممنوع است.» حضرت علی علیه‌السلام در یک بیان زیبا می‌فرماید: «ای مردم آدم نه عبد و نه کنیز زاید و مردم همه

ضمائم مطالعاتی صیانت از حقوق زنان

آزادند.» در روایت دیگری از حضرت علی علیه‌السلام نقل شده است که فرمود: «مردم همه آزادند مگر کسی که علیه خود به عبد بودن اقرار کند.» با این حال، از آنجا که قبل از اسلام نظام برده‌داری حاکم بود، حکومت اسلامی با وضع مقررات فراوان فقهی و تشویق برده‌داران و سایر مردم به آزادی بردگان، تشویق کرد. مثلاً در سراسر فقه به کفارات برخورد می‌کنیم که برای بسیاری از تخلفات مقرر شده است و در این میان یکی از مصادیق آن‌ها آزادی بردگان است، حضرت علی علیه‌السلام در اجرای این حکم اسلام تلاش فراوان کرد. در روایتی آمده است، حضرت علی علیه‌السلام هزار بنده را آزاد کرد. این آزادی تنها مربوط به بردگان مسلمان نبود بلکه شامل، اقلیت‌های دینی نیز می‌شد. در خبری آمده است امیرالمؤمنین علیه‌السلام بنده نصرانی را خریداری و آزاد کرد. با این حال در آزادسازی بردگان مصالح دنیوی آنان در نظر گرفته می‌شد. بدین جهت آن حضرت از آزادسازی نابینایان و افراد زمین‌گیر نهی کرد تا این‌گونه افراد پس از آزادی، دچار مشکلات اجتماعی نشوند. این ممنوعیت نوعی تأمین اجتماعی برای افراد ناتوان و زمین‌گیر محسوب می‌شود. در حکمرانی نیز حضرت علی علیه‌السلام به اصل کرامت توجه داشته و کارگزاران خود را به رعایت آن تذکر داده است، مثلاً در فرمان حکومتی خویش به مالک اشتر می‌فرماید: «و مهربانی بر رعیت و دوستی ورزیدن با آنان و مهربانی کردن با همگان را برای دل خود پوششی گردان و مباش همچون جانوری شکاری که خوردنشان را غنیمت شماری. رعیت دو دسته‌اند: دسته‌ای برادر دینی تواند و دسته دیگر در آفرینش با تو همانند. گناهی از ایشان سر می‌زند، یا علت‌هایی بر آنان عارض می‌شود، یا خواسته و ناخواسته خطایی بر دستشان می‌رود، به خطاشان مگر و از گناهشان درگذر.»



هرچند این سخن در ظاهر یک دستور اخلاقی است، اما می‌تواند مبنای حقوقی در مناسبات سیاسی مردم و دولت قرار گیرد. توجه به کرامت انسان فقط در قالب قواعد خشک حقوقی جلوه‌گر نیست، بلکه حضرت علی علیه السلام با اعمال و رفتار خود مردم را به آن توجه داده و دست به فرهنگ‌سازی می‌زند. وقتی از جنگ صفین به کوفه باز می‌گشت، به شبامیان که تیره‌ای از قبیله همدان بودند برخورد کرد، «حرب بن شرحبیل شبامی» که از بزرگان مردم خود بود پیاده به راه افتاد؛ در حالی که امام سواره بود، امام فرمود: «بازگرد که پیاده رفتن چون تویی با چون من موجب فریفته شدن والی است و خواری مؤمن». دهقانان شهر انبار هنگام رفتن ایشان به شام پیاده شدند و پیشاپیش دویدند فرمود: «این چه کار بود که کردید؟ گفتند: عادت است که داریم و بدان امیران خود را بزرگ می‌شماریم، وی با جملات زیر آنان را از این کردار منع فرمود، به خدا که امیران شما از این کار سودی نبردند و شما در دنیایان خود را بدان به رنج می‌افکنید و در آخرتتان بدبخت می‌گردید و چه زیان بار است رنجی که کیندر در پی آن است و چه سودمند است آسایشی که با آن، از آتش امان است». حضرت علی علیه السلام اجازه نمی‌دهد که به بزرگواری انسان لطمه وارد شود، هرچند در برابر حاکمی چون حضرت علی علیه السلام باشد. افزون آنکه حضرت علی علیه السلام نه تنها رعایت کرامت انسان را در حال حیاتش لازم می‌دید، بلکه سفارش می‌نمود تا بعد از مرگ انسان نیز احترامش باید حفظ شود حتی اگر دشمن باشد. اوج توجه آن حضرت در وصیت نامه ایشان در مورد قاتل خویش است. حضرت علی علیه السلام در وصیت خود پیرامون ابن ملجم فرمود: «دست و پا و دیگر اندام او را مبرید که من از رسول خدا شنیدم می‌فرمود، بپرهیزید از بریدن اندام مرده

هرچند سگ دیوانه باشد.» از طرف دیگر حضرت علی علیه السلام جهت رعایت اصل کرامت آسیب‌شناسی می‌کند. از مهم‌ترین مواردی که اصل کرامت انسان مورد خدشه قرار می‌گیرد، کبرورزی حاکمان است. بدین خاطر حضرت علی علیه السلام تذکرهاى مهم نسبت به کبر و به خصوص به کبر حاکمان می‌دهد. اگر خدا اجازه کبر ورزیدن را به یکی از بندگانش می‌داد، به یقین چنین اجازه‌ای را به پیامبرانش می‌داد، لیکن خدای سبحان بزرگی فروختن را بر آنان ناپسند دید و فروتنی شان را پسندید. همچنین «خطبه قاصعه» اوج کلام حضرت علی علیه السلام در نکوهش کبر و خود بزرگ‌بینی است. (محقق داماد، ۱۳۸۵: ۸۱)

۶- دیدگاه امام خمینی (ره) در مورد حقوق بشر

از نظر امام خمینی (ره) برخورداری از حقوق اجتماعی در جامعه بر اساس تابعیت کشور است و تمام شهروندان ایرانی از حقوق اجتماعی برخوردار هستند و در این زمینه، اقلیت‌های مذهبی نیز همچون مسلمانان، از این حقوق برخوردارند. به عبارت دیگر، حقوق اجتماعی بر اساس مذهب در جامعه توزیع نمی‌شود: «هر ایرانی حق دارد که مانند همه افراد از حقوق اجتماعی برخوردار باشد. مسلمان یا مسیحی و یا یهودی و یا مذاهب دیگر فرق ندارد.» (خمینی، ۱۳۶۸: ۱۵۹)

همچنین معمار کبیر انقلاب درباره حقوق سیاسی و اجتماعی شهروندان ایرانی در حوزه آزادی احزاب، انجمن‌ها و تشکیل اجتماعات بیان کردند: «کلیه شهروندان حق دارند در گروه‌بندی‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، صنعتی و اقتصادی شرکت کنند. جلوگیری از این حق مبنای آشکاری با آزادی دارد، مگر آنکه تجمع و گروه‌بندی، خطرانی برای نظم عمومی مستقر داشته باشد.» (خمینی، ۱۳۶۸: ۴۴۳)

«از این چیز بهتر چه می‌خواستید از یک انقلاب؟ همان که ملت می‌خواست، آزادی را می‌خواست، حاصل است. همه الان آزاد نشسته‌اید و در همه جا آزاد مجتمع هستید و در پنج سال پیش هیچ نمی‌توانستید یک همچون اجتماعی را ایجاد کنید. آزادید، این چیزی بود که ملت می‌خواست و شد.» (خمینی، ۱۳۶۸: ۲۸۹)

امام خمینی (ره) حق تعیین سرنوشت را حقوق اساسی مردم می‌دانستند که به موجب آن، هر ملتی باید سرنوشت خودش را خودش تعیین کند: «همان طوری که مکرر من عرض کرده‌ام و سایرین هم گفته‌اند، انتخابات در انحصار هیچ‌کس نیست، نه در انحصار روحانیین است، نه در انحصار احزاب است، نه در انحصار گروه‌ها است. انتخابات مال همه مردم است. مردم سرنوشت خودشان دست خودشان است و انتخاب برای تحصیل سرنوشت شما ملت است.» (خمینی، ۱۳۶۸: ۱۸)

امام خمینی (ره) همچنین در خصوص مساوات شهروندان در رأی دادن این گونه بیان کردند: «باید همه شما در این امر نظر داشته باشید، در امور سیاسی نظر داشته باشید. برای اینکه امور سیاسی مخصوص یک طبقه نیست، همان طوری که علم مخصوص یک طبقه نیست. همان طوری که مردها باید در امور سیاسی دخالت کنند و جامعه خودشان را حفظ کنند، زن‌ها هم باید دخالت کنند و جامعه را حفظ کنند. زن‌ها هم باید در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی هم دوش مردها باشند، البته با حفظ آن چیزی که اسلام فرموده است.» (خمینی، ۱۳۶۸: ۴۰۳) رهبر کبیر انقلاب ایشان همچنین درباره موارد نقض آزادی بیان که فراتر از عقیده و از حقوق اساسی است، فرمودند: «آنچه در آزادی بیان اهمیت بسیار دارد، تشخیص حدود آن است. توهین و افتراء، شکستن حریم خلوت و تنهایی افراد، تجاوز به حقوق دیگران، افشاء اسرار دولتی، انتشار نوشته‌ها و صور قبیح و کفر و ناسزاگویی به مقدسات و تجاوز به حقوق اقلیت‌ها نمونه‌هایی از تعدی به حقوق جامعه است.» (خمینی، ۱۳۶۸: ۴۴۳)

۷- اسناد بین‌المللی حقوق بشر که جمهوری اسلامی ایران عضو آن‌ها می‌باشد اولین و مهم‌ترین سند بین‌المللی در مورد حقوق بشر، منشور ملل متحد می‌باشد که اکثریت کشورها عضو آن می‌باشند:

۷-۱- منشور ملل متحد (۱۹۴۵)

این سند نخستین سند بین‌المللی حقوق بشر جدید محسوب می‌شود که در قالب یک مقدمه و ۸۵ ماده تدوین یافته و به تصویب رسیده است. در ماده ۱ آن که اهداف سازمان ملل بیان شده است، تشویق و احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همگان به عنوان یکی از اهداف سازمان ملل بیان گردید. همچنین تعهدات اساسی سازمان ملل و دولت‌های عضو برای دستیابی به این اهداف در مواد ۵۵ و ۵۶ منشور آمده و بند ۱ ماده ۱۳، بند ۲ ماده ۶۲ و ماده ۶۸ منشور نیز به حقوق بشر پرداخته و مجمع عمومی و شورای اقتصادی - اجتماعی را موظف به انجام مطالعات و تشکیل کمیسیون‌ها و ارائه توصیه‌هایی در جهت تحقق حقوق بشر نموده است. (شریفیان، ۱۳۸۵: ۱۴۰)

۷-۲- اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸)

اعلامیه جهانی حقوق بشر در دهم دسامبر ۱۹۴۸ با رأی مثبت ۴۸ دولت، از ۵۶ دولت عضو سازمان ملل طی قطعنامه A۲۱۷ بدون هرگونه رأی مخالف و با ۸ رأی ممتنع به تصویب رسید. این سند نخستین اعلامیه فراگیر حقوق بشر است که از سوی سازمان بین‌المللی اعلام شده و طبعاً موقعیت معنوی و سیاسی ممتاز و مهمی به دست آورده است. اعلامیه مزبور مشتمل بر یک مقدمه و ۳۰ ماده بوده

و بیانگر تفاهم مشترک ملت‌ها درباره حقوق و آزادی‌های اساسی انسان است که همواره باید مورد توجه، آموزش، احترام و عمل قرار گیرد. اعلامیه دو نوع حقوق که عبارت‌اند از: حقوق مدنی و سیاسی (حقوق نسل اول) و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (حقوق نسل دوم) را در بر داشته و حاوی بیان محدودیت‌های مربوط به اعمال این حقوق و آزادی‌ها نیز می‌باشد. (شریفیان، ۱۳۸۵: ۱۴۵)

۳-۷- میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۹۶۶)

میثاق مزبور مشتمل بر یک مقدمه و ۳۱ ماده بوده و در ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ طی قطعنامه 2200A به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسیده و وفق ماده ۲۷ آن پس از تودیع سی و پنجمین سند تصویب یا الحاق از سوی دولت‌ها به دبیرکل سازمان ملل در ۳ ژانویه ۱۹۷۶ لازم‌الاجرا شد. این سند فهرست جامع‌تر و طولانی‌تری از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را نسبت به اعلامیه جهانی حقوق بشر در بر دارد. میثاق علاوه بر آنکه فهرستی از حقوق را بیان کرده، آن‌ها را تعریف و تشریح نموده و اقداماتی را که باید در جهت دستیابی به آن حقوق انجام داد، نیز مطرح کرده است. مکانیزمی که برای نظارت بر اجرای مقررات میثاق از سوی دولت‌ها پیش‌بینی شده بود، تقدیم گزارش به دبیرکل سازمان ملل بود. اینک کمیته‌ای به نام کمیته اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی گزارش‌های ادواری دولت‌ها را بررسی و نظرات و ملاحظات خود را اعلام می‌نماید. (آقایی، ۱۳۷۶: ۸۵)

۴-۷- میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶)

این میثاق به موجب قطعنامه 2200A در ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسیده و مطابق ماده ۴۹ آن پس از گذشت سه ماه از تودیع

سی و پنجمین سند تصویب یا الحاق از سوی دولت‌ها به دبیرکل سازمان ملل، در ۲۳ مارس ۱۹۷۶ لازم‌الاجرا شد. این میثاق مشتمل بر یک مقدمه و ۵۳ ماده بوده و فهرستی جامع‌تر و بیشتر از حقوق مدنی و سیاسی را در مقایسه با اعلامیه جهانی حقوق بشر در بر دارد. نظارت بر اجرای مقررات میثاق مزبور بر عهده کمیته‌ای به نام کمیته حقوق بشر است که بخش چهارم میثاق از ماده ۲۸ تا ۴۵ به چگونگی تأسیس این کمیته و وظایف و اختیارات آن پرداخته است. (آقایی، ۱۳۷۶: ۱۴۹)

۸- دستاوردهای حقوق بشری انقلاب اسلامی ایران

تجربه نهضت مشروطیت و ناکامی‌های پس از آن به علت استبدادهای شاهنشاهی، سرکوب آزادی‌خواهان و تلاش حکومت برای غیرمذهبی کردن نظام سیاسی کشور همه و همه موجب شد که رهبران دینی و به خصوص مراجع مخالفت‌های خود را نسبت به نظام شاهنشاهی اعلام کنند. از طرفی دیگر آمادگی فکری جامعه با توجه به شرایط خفقان سیاسی و اجتماعی سبب شد که حرکت گسترده مردم برای تغییر حکومت انجام شود. باید اذعان داشت که نقش امام خمینی (ره) به عنوان یک مرجع و عالم دینی که نسبت به مؤلفه‌های سیاسی مردم‌گرایانه با رویکرد دینی آگاه بود، مؤثر بود. به گونه‌ای که حرکت ضد استبدادی وی طی ۱۵ سال (۱۳۴۲ - ۱۳۵۷) و به ثمر نشستن انقلاب اسلامی و ایجاد جمهوری اسلامی بسیار تعیین کننده بود. به گونه‌ای که در بهمن ماه ۱۳۵۷ (فوریه ۱۹۷۹)، انقلاب اسلامی ایران به ثمر نشست و با همه‌پرسی از مردم در فروردین ماه ۱۳۵۸ (مارس ۱۹۷۹)، با اکثریت ۹۸/۲ درصد (کسانی که حق رأی داشتند)، حکومت جمهوری اسلامی ایران به طور رسمی و قانونی استقرار یافت.

سیس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران حدود ۹ ماه پس از پیروزی انقلاب اسلامی تدوین شد و در ۲۴ آبان ماه ۱۳۵۸ از تصویب مجلس بررسی نهایی قانون اساسی گذشت و این قانون مجدداً در تاریخ دوازدهم آذرماه ۱۳۵۸ در یک همه‌پرسی به تصویب ملت ایران رسید. (مهرپور، ۱۳۷۷: ۳۶۳) این در حالی بود که امام خمینی (ره) در پیامی به مناسبت افتتاح مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، در سال ۱۳۵۸ به نمایندگان توصیه کردند که قانون اساسی باید جامع مزایا و خصوصیات باشد که در رأس آن‌ها، حفظ و حمایت حقوق مصالح تمام قشرهای ملت دور از تبعیض‌های ناروا است. (مدنی، ۱۳۷۴: ۴۱)

۹- حقوق بشر در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

بر مبنای قانون اساسی ایران حکومت، نظامی مذهبی است که بر مبنای اعتقاد به توحید و وحی الهی و باور به روز واپسین و عدالت الهی و امامت پدید آمده. (اصل ۲، قانون اساسی) و کلیه قوانین و مقررات آن باید بر اساس موازین اسلامی باشد. (اصل ۴، قانون اساسی) دین رسمی ایران طبق اصل دوازدهم، اسلام و مذهب جعفری اثنی عشری است که البته مذاهب دیگر اسلامی نیز مورد احترام هستند و ادیان مسیحی، یهودی و زرتشتی نیز به عنوان اقلیت‌های مذهبی رسمی به رسمیت شناخته شده‌اند.

طبق قانون اساسی، در عین حال که حکومت جمهوری اسلامی ایران یک حکومت دینی و مذهبی است، متکی به آرا مردم است و طبق اصل ششم، امور کشور باید به اتکا آرا عمومی اداره شود و نظر و رأی مردم با شرکت در انتخابات مختلف؛ مانند ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی، شوراهای مختلف

ضمائم مطالعاتی صیانت از حقوق زنان

(روستا، شهر، شهرستان و استان) و حتی در انتخاب مقام رهبری با شرکت در انتخابات مجلس خبرگان، نقش و اعتبار دارد. (مدنی، ۱۳۷۴: ۳۶۴)

بنابراین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به عنوان سند حقوقی نظام سیاسی کنونی کشور ایران در اصول متعدد فصل سوم (اصول ۱۹ تا ۴۲) و پاره‌ای از اصول دیگر، جایگاه ویژه‌ای را برای حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مردم قائل شده و در اصل نهم، آزادی را یکی از محورهای اصلی و غیرقابل سلب نظام سیاسی کشور قرار داده است. (هاشمی، ۱۳۸۴: ۱۷۲)

این حقوق و آزادی‌ها در عناوین ذیل قابل دسته‌بندی است:

امنیت عمومی حیثیت، جان، مال، شغل و حقوق (اصل ۲۲ - ۲۵) و امنیت خصوصی مسکن، خلوت و اقامت (اصل ۲۳ - ۲۵)؛
امنیت قضایی در اصول برائت (اصل ۳۷)، تعقیب قانونی (اصل ۳۲) محاکمه عادلانه با حق انتخاب وکیل (اصل ۳۵) و محاکمه علنی (اصل ۱۶۵)، قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها (اصل ۳۶ - ۱۶۹) و امنیت متهمین و محکومین (اصل ۳۸ - ۳۹)؛

آزادی‌های عقیده (اصل ۳۹) بیان (اصل ۲۴) احزاب (اصل ۲۶) و اجتماعات (اصل ۲۷) حقوق و آزادی‌های افراد در اداره کشور و اشتغال به مشاغل عمومی (اصول ۶ - ۷ - ۵۶ - ۶۲ - ۱۰۰ - ۱۰۷ - ۱۱۴)؛

حقوق اقتصادی، اجتماعی (اصول ۲۱ - ۲۸ - ۲۹ - ۴۳) و فرهنگی (بندهای ۲ تا ۴ اصل ۳ و اصل ۳۰)؛

حقوق زنان و کودکان (اصل ۲۱) اقلیت‌ها (اصول ۱۲ تا ۱۴) و پناهندگان (اصل

۱۵۵).



پس نظام جمهوری اسلامی ایران چه از لحاظ مبنای ایدئولوژی اسلام مبتنی بر کرامت انسانی، عدالت، رفع تبعیض و ارتقا و تکامل مقام انسانی و چه از حیث سابقه تاریخی ملی و تمدن باستانی خویش، نسبت به موازین عدالت‌خواهی و رفع تبعیض معیارهای حقوق بشری مقید است، بلکه در زمینه حقوق بشر، قانون اساسی ضمن رعایت ضوابط و معیارهای بنیادین اسلامی، اصولی را ارائه کرده است که دربرگیرنده حقوق و آزادی‌های اساسی انسان بوده و طی موادی مشخصاً به حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اشاره کرده است. (جهانگیر، ۱۳۸۶: ۱۲۸) به گونه‌ای که نه تنها ملهم از قوانین اساسی کشورهای پیشرفته غربی و اسناد یا قواعد بین‌المللی حقوق بشری است، بلکه قابلیت تطبیق با موادی از اعلامیه جهانی و میثاقین بین‌المللی حقوق بشری را دارد. قانون اساسی نه تنها در موارد ذی‌ربط بلکه حتی در مقدمه قوی، وزین و غنی خود نیز به حقوق بشر توجه کرده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نتیجه گیری

با بررسی مبانی حقوق بشر در انقلاب اسلامی ایران نمایان شده است که نظام حقوقی انقلاب اسلامی که مبانی دینی دارد، متکی به اراده خداوندی است؛ یعنی در حقیقت، خداوند سبحان است که همه این حقوق و تکالیف را برای بندگانش اراده فرموده است. هر انسان آگاهی عمل به تکالیف و ایفای حقوق را وسیله‌ای برای تکامل و نزدیکی به خدای خود تلقی خواهد کرد و این امتیازی بسیار بزرگ است که هیچ یک از مکاتب حقوقی و سیاسی و غیر آنها نمی‌توانند داشته باشند. مسلم است که چنین امتیازی در هیچ یک از قوانین ساخته مغز بشری که دیدگاه‌های آن محدود به منافع و مضار نسبی طبیعت انسانی است، وجود ندارد. عامل و ضامن اجرای حقوقی که بر مبنای دین استوار است، شخصیت کمال‌طلب خود انسان است. عوامل اجرایی در هنگام تخلف افراد جامعه از آنها، در عین حال برای منتفی ساختن مفسد اجتماعی نقش هشدار جدی برای قابل درک ساختن اهمیت حیاتی تکالیف و حقوق را به عهده می‌گیرند. بدین ترتیب، همه عوامل درونی و بیرونی زمینه تکامل شخصیتی انسان را آماده می‌کنند. اگر منابع حقوق جهانی بشر را به یک اقلیم منحصر کنیم، محدودیت فرهنگی آن اقلیم، از تعمیم آن حقوق به همه جوامع بشری روی زمین جلوگیری خواهد کرد. در صورتی که اگر منبع اصلی حقوق و تکالیف بشری، دین فطری حضرت ابراهیم خلیل (ع) قرار داده شود، هر یک از ارباب ادیان ابراهیمی به ویژه مسلمانان، مسیحیان و یهودی‌ها ادعا خواهند کرد، دین آنان بازگوکننده اصلی دین حضرت ابراهیم (ع) است. این اختلاف نظر با کوشش و تکاپوی مخلصانه تا آن درجه پیش خواهد رفت که موجب یک همزیستی انسانی در قلمرو تکالیف و حقوق



جهانی هماهنگ کننده شود. عوامل و ملاک‌هایی که اسلام برای اثبات کرامت، حیثیت، برادری و برابری و مساوات انسان‌ها با یکدیگر مطرح می‌کند از نظر الهی، علمی، وجدانی، فلسفی و فطری به هیچ وجه قابل مقایسه با مبانی حقوق بشر از دیدگاه غرب نیست. از دیدگاه اسلامی، همه انسان‌ها در موضوعات زیر با یکدیگر تساوی یا اتحاد دارند: تساوی در خالق، تساوی در حکمت و مشیت، تساوی در ماده اولیه خلقت (ماده خاکی)، تساوی در منشأ جریان نسل انسان‌ها (آدم و حوا (ع))، تساوی در ماهیت و مختصات عمومی، تساوی در هدف اعلایی که همه انسان‌ها در امکان وصول آن مشترک‌اند، تساوی در مسیر حرکت به هدف حیات معقول، تساوی در کرامت و حیثیت ذاتی، تساوی در داشتن استعداد وصول به کمال ارزشی اختیاری، اتحاد پس از نائل شدن به کمال ارزشی با فرمول (۱= همه و همه = ۱)، تساوی در هدف‌گیری‌ها، تساوی در مساوات در مقابل تکالیف و حقوق و هرگونه مقررات، اتحاد فوق کثرت‌ها و وحدت‌های طبیعی، اتحاد در تشکل گروهی جامعه. نظام‌های حقوق بشری که محصول تمدن‌های مادی محض هستند، هر اندازه هم که بخواهند خود را انسان‌محور معرفی کنند، نمی‌توانند از عهده گام برداشتن برای انسان برآیند. در صورتی که طبق تساوی‌های دوازده‌گانه و اتحادهای سه‌گانه، این امتیاز از مختصات قطعی نظام حقوق بشر اسلام است. در مباحث اصول مشترک پنج‌گانه حقوق جهانی بشر در اسلام با غرب، اصول یاد شده از دیدگاه مبانی حقوق اسلام، عالی‌تر و پرمعناتر از همه نظام‌های حقوق بشری است که تاکنون بروز نموده است. به این معنا که حیات، کرامت ذاتی و ارزشی، تعلیم و تربیت، مساوات، آزادی حقیقی نه بی‌دوباری از دیدگاه انسان‌محورانه حقوق بشر در اسلام، حقایقی بسیار والا است.

منابع

قرآن کریم

- آقایی، بهمن (۱۳۷۶) فرهنگ حقوق بشر، تهران: کتابخانه گنج دانش.
- بیل، جیمز (۱۳۷۱) عقاب و شیر، ترجمه: فروزنده برلیان، تهران: فاخته.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۶۳) ترمینولوژی حقوق، تهران: بنیاد راستا.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۵۶) صحیفه نور دفتر سوم، تهران: امیرکبیر.
- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه (۱۳۶۴) درآمدی بر حقوق اسلامی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه (۱۳۷۶) (با نظارت ناصر مکارم شیرازی)، درآمدی بر حقوق اسلامی، تهران: سمت.
- ذاکریان، مهدی (۱۳۸۳) مفاهیم کلیدی حقوق بشر بین‌المللی، تهران: میزان.
- شریفیان، جمشید (۱۳۸۰) راهبرد جمهوری اسلامی ایران در زمینه حقوق بشر در سازمان ملل متحد، تهران: نشر وزارت امور خارجه ایران.
- طغرانگار، حسن (۱۳۸۳) حقوق سیاسی اجتماعی زنان قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- عنایت، حمید (۱۳۶۴) بنیاد فلسفه سیاسی غرب، تهران: نشر دانشگاه تهران.
- کدی، نیکی (۱۳۸۵) نتایج انقلاب ایران، مترجم: مهدی حقیقت‌خواه، چاپ دوم، تهران: انتشارات ققنوس.
- کدی، نیکی (۱۳۸۶) ریشه‌های انقلاب ایران، مترجم: عبدالرحیم گواهی، چاپ پنجم، تهران: نشر علم.
- گلدستون جک (۱۳۸۷) مطالعات نظری، تطبیقی و تاریخی در باب انقلاب‌ها،

مبانی حقوق بشر در انقلاب اسلامی ایران با تأکید بر اسناد بین‌المللی

مترجم: محمد تقی دلفروز، چاپ دوم، تهران: انتشارات کویر.

محقق داماد، مصطفی (۱۳۸۵) حقوق بین‌المللی عمومی اسلامی، تهران: میزان.

مدنی، سید جلال‌الدین (۱۳۷۴) حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، تهران: نشر مؤلف.

منصور، جهانگیر (۱۳۸۶) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: نشر دوران.

مهرپور، حسین (۱۳۷۷) نظام بین‌المللی حقوق بشر، تهران: نشر اطلاعات.

نجاتی، غلامرضا (۱۳۸۷) تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران، جلد ۲، تهران.

نراقی، احسان (۱۳۸۱) از کاخ شاه تا زندان اوین، مترجم: سعید آذری، جلد ۴، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.

هاشمی، سیدمحمد (۱۳۸۴) حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، تهران: نشر میزان.

Merris, Amos (2017) The Value of the European Court of Human Rights to the United Kingdom. The European Journal of International Law Vol. 28 no. 3, p: 763–785.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی





پروفیسر شہناز گل خان
پرنسپل جامعہ اسلامیہ اسلامیہ